

| شماره | نام محل | ساخته | چنین تفریم از تفریم های عربی : هزار دربیای روم | | | | ضبط نام ها | |
|-------|--------------------------|-------------------|--|--------|----------|--------|------------------------------------|--|
| | | | طول | | عرض | | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | | |
| ۱۰ | نهر جادر وسط جزیره | ابن سعید | مه | نب | مجم | به | در دریای روم از اوایل ششم | به فتح لام و سکون میم و کسر راء بی نقطه سپس یاء دو نقطه تحتانی و الف و به قول یکی از مسافران بعد از یاء هاء. |
| ۱۱ | جزیره افریطش و شهر آن | قانون ابن سعید | مه مز | • ز | لوی م | س س | از پنجم در دریای روم مقابل برقه | به فتح الف و سکون قاف و کسر راء بی نقطه و سکون یاء دو نقطه تحتانی و کسر طاء بی نقطه و در آخرش شین نقطه دار. |
| ۱۲ | طرف شرقی از جزیره افریطش | ابن سعید | مجم | ن | مب | ه | در دریای روم از اواخر ششم | به فتح نون و سکون قاف و راء بی نقطه و فتح باء یک نقطه و سکون نون سپس هاء دو نقطه فوقانی |

اصناف و اخبار عامه

ابن سعید گوید: جزیرهٔ لمریا بزرگترین جزایر روم است. گرداگرد آن علی‌التحقیق هفتصد میل است و در آن خلیج‌ها و تنگه‌های بسیار باشد. میان آن و جزیرهٔ آفریطش تنگه‌ای است به قدر شصت میل. و در وسط آن شهر لمریا است. ابن سعید گوید: در کتب معروف است به جزیرهٔ بلونس.

و هم از ابن سعید است که جزیرهٔ آفریطش جزیره‌ای است بزرگ و مشهور. امتداد آن از مغرب است به مشرق. گرداگرد آن سیصد و پنجاه میل است. در آنجا شهری است به همان طول و همان عرض که بیان شد. برخی گویند سیصد و پنجاه میل مذکور مسافت آفریطش است از مغرب به مشرق نه گرداگرد آن. از آنجا پنیر و عسل و دیگر چیزها به اسکندریه برند. شریف ادیسی گوید: گرداگرد آفریطش سیصد و پنجاه میل است. و در کتاب «الفرس» آمده که گرداگرد آفریطش پانزده روزه راه است.

ابن سعید گوید: جزیرهٔ تقرینت در شمال جزیرهٔ لمریا است. این جزیره نیز از جزایر بزرگ است چنانکه درازای آن از مغرب به مشرق با انحرافی به جنوب صد و پنجاه میل است و پهنای آن بیست میل. در تقرینت کشتی‌های بزرگ و کوچک سازند و بدان مشهور است. در مغرب جزیرهٔ مصطکی است.

| ردیف | نام جغدیہ | سہ ماخذ | پہلین فقیر از انجیم ای مسرنی : جزیر دریای روم | | | | ضبط نام نا | | |
|------|----------------|----------------|---|------|--------------|--------------|-----------------|-------------------------------|--|
| | | | عوم | | ایجم جغتی | ایجم عرفی | | | |
| | | | درجہ | رقبہ | | | | | |
| ۱۴ | جزیرہ رودیس | اطوال | نا | م | لوا | ۰ | از ششم | در دریای روم مقابل اسکندریہ | <p>بہ ضم راء بی نقطہ سپس واو ساکن و دال بی نقطہ و بہ قرلی دال مکسور و آنگاہ سین بی نقطہ .</p> |
| ۱۶ | وسط جزیرہ قبرس | اطوال قانون | نز نج | ۰ | م ن | ۰ | از چہارم | در دریای روم مقابل شام | <p>بہ ضم قاف و سکون باء یک نقطہ و ضم راء بی نقطہ و در آخرش سین بی نقطہ (المناب).</p> |
| ۱۵ | جزیرہ جریطیکہ | ابن سعید | ط | ۰ | ن | س | خورد اقلیمی است | بیرون اقلیم ہفتم بہ جانب شمال | <p>بہ باء یک نقطہ و راء بی نقطہ و طاء بی نقطہ سپس الف و نون و یاء دو نقطہ تحتانی و در آخرش ہاء .</p> |

اصناف و اجار عامه

جزیره رودس را مسلمانان در زمان معاویه گشودند. درازای آن از شمال به جنوب با انحرافی در حدود پنجاه میل است و پهنای آن نصف این مقدار. میان این جزیره و پایان آقریطش يك مجری است. پاره‌ای از رودس در دست فرنگ است و پاره‌ای در دست حاکم اصطنبول. رودس در مغرب قُبُرس است با انحرافی به شمال. و قُبُرس میان جزیره مَصطکی و آقریطش واقع شده.

درازای جزیره قُبُرس دوست میل است. این سعید گوید: این مقدار درازای قُبُرس است از مغرب به مشرق. در جانب شرقی آن دنباله باریکی است که به ساحل شام نزدیک می‌شود. و پهنای آن در حدود صد میل. میان آن و کُرک از بلاد آرمَن نصف مجری است. کُرک به ضم کاف نخستین و سکون راء بی نقطه. ادریسی گوید: گرداگرد جزیره قُبُرس دوست و پنجاه میل است.

این سعید گوید: چون از مغرب آغاز کنی نخستین سرزمینی که در آن سوی اقلیم هفتم خواهی یافت جزیره بَرطانییه است. این جزیره در دریای محیط است. و دریائی را که از دریای محیط بیرون آید، دریای بَرطانییه و دریای بُردیل گویند. این دریا از هرسو جزیره بَرطانییه را دربر دارد. و از جانب جنوب شرقی آنرا مدخلی است به بلاد آندلس. درازای بَرطانییه از جنوب به شمال پانزده روزه راه است و پهنای آن در وسط در حدود یازده روزه راه است. پادشاهی متفرد دارد.

ذکر شام

مصنف چون از ذکر جزایر دریای روم فراغت یافت به ذکر شام پرداخت . ارباب این فن ، شام را به نحوی تحدید کرده اند که بلاد آرمن نیز ، که امروز معروف است به بلاد سیس در آن داخل شود .

حد غربی شام ، دریای روم است ، از طرسوس که از بلاد آرمن است تا رفح که در اول جندار است . میان مصر و شام ، حد جنوبی آن حدی است ممتد از رفح تا حدود قبه بنی اسرائیل تا میان شوبک و آبله و بلقاء و حد شرقی آن حدی است از بلقاء تا حوالی صرخد که اطراف غوطه را در برمی گیرد تا سلمیه تا حوالی حلب تا بایس . و جانب شمالی آن حدی است ممتد از بایس تا قلعه نجم تا بیره تا قلعه اَروم تا سمیسات تا حصن منصور تا بمتنا تا مرعش تا بلاد سیس تا طرسوس تا دریای روم یعنی همانجا که از آن آغاز کرده بودیم .

جای تذکر و اعتذار است که برخی از این حدود در عین حال که در جانب شرقی برخی از قسمت های شام است عیناً در ناحیه جنوبی برخی از قسمت های دیگر است . چنانکه بلقاء در جنوب حلب و در مشرق غزه واقع شده است

شام را بدان جهت بدین نام خوانده‌اند که قومی از بنی کنعان چون بدانجا در آمدند به جانب چپ خود رفتند از تِشاموالیه ، ای : تِیاسروا . چه شام در جانب چپ کعبه واقع شده .

برخ دیگر گویند : شام را از جهت انتسابش به «سام بن نوح» بدین نام خوانده‌اند و «سام» را به زبان سریانی «شام» به شین نقطه‌دار خوانند . و نیز گویند بدان جهت که در آن سرزمینهایی است به رنگ سفید و سرخ و سیاه و شامه به معنی اثر سیاهی است بر روی زمین .

من به کتابی از آثار احمد بن ابی یعقوب کاتب در «مسالك و ممالك» دست یافتم که او عراق را در آن ستوده بود ولی شام و مصر را نکوهش کرده بود .

درباره شام چنین سخنی داشت که : شام سرزمینی است ، هوایش و باخیز و خانه‌هایش تنگ و زمینش حزن آور و مردمش سواره گرفتار طاعون . و مصر ، از يك سوی آن دریاست و به همین سبب سواحل آن مرطوب و عفن و مه آلود و بیماری‌زا و فاسدکننده غذاها و از يك سوی بیابانی است خشك و سخت ، آنچنان که نه در آن گیاهی روید و نه چشمه‌ای جوشد .

ابن اثیر گوید : بدان که : شام را پنج جند است . از سوی فرات نخست جند قُسْرین است سپس جند حِمص و دِمَشق و اَرْدُن و فِلَسْطین . و همو گوید که : پهنای هر جندی از ناحیه فرات است تا ناحیه فِلَسْطین و درازای آن از مشرق است تا دریا .

فِلَسْطین - فِلَسْطین به کسر فاء و فتح لام و سکون سین بی نقطه و کسر طاء بی نقطه و سکون یاء دو نقطه تحتانی و در آخرش نون ، کوره بزرگی است شامل بیت المقدس و غزه و عَقْلان .

این حوقل گویند : جَنَدِ فِلَسْطِینِ نَحْسَتِینِ اجنادِ شام است از جانب مغرب از رَفَیح تا حد لَجُون و پهنای آن از یافا تا ریحاً تقریباً دو روزه راه است . اما زُغَر و دیار قُوم لوط و جِبَال و شَرَاه منضم بدان است و نیز از اعمال آن به شمار است تا حد آيْتَه .

دیار قُوم لوط و بحیره المُنْتِنَه و زُغَر تا بیسان تا طَبْرِیَه را غُور نامند . چه این بلاد در درون دره‌ای افتاده‌اند و حال آنکه دیگر بلاد شام مرتفع است . پاره‌ای از بلاد غُور از اعمال اُرْدُن است و برخی از اعمال فِلَسْطِین . نیز این حوقل گویند : ابتدای غُور دریاچه طَبْرِیَه است . سپس تا بیسان امتداد یابد تا به زُغَر و اریحا و بحیره المُنْتِنَه منتهی شود و از آنجا تا آيْتَه امتداد یابد .

آب فِلَسْطِین از باران است و درختها و مزارع آن هم از آن آب سیراب شوند جز نابُئس که آب جاری دارد .

فِلَسْطِین از بهترین بلاد شام است . از شهرهای بزرگش یکی رَمْلَه است ، دیگر بیت المقدس . بیت المقدس بر روی کوهی است که از هر سو توان بر آن فرارفت . در آنجا مسجدی است که در همه عالم اسلام بزرگتر از آن نباشد . و صَخْرَه در آن مسجد است . و آن سنگ مرتفعی است چون سکوئی . بر سر صَخْرَه گنبدی بس رفیع بر آورده‌اند . بلندی صَخْرَه از زمین به قدر يك قامت است و از پله به خانه‌ای که در زیر آن است فرو روند . پهنای و درازای این خانه به يك اندازه است .

در بیت المقدس آب جاری جز از چشمه‌ها که آنهم برای زراعت کافی نیست وجود ندارد و در عین حال از پر نعمت‌ترین بلاد فِلَسْطِین است . محراب داود نیز در آنجا است .

حسن بن احمد مهبلی معروف به العزیزی گویند که : چون

ولید بن عبدالملک در بیت المقدس آن گنبد را بر فراز صخره
 ساخت چند گنبد دیگر بر آورد و هر یک را به نامی نهاد . از آن جمله
 است : قبة المعراج و قبة المیزان و قبة السلسله و قبة المعشر و این
 کارها بدان سبب کرد تا مقدار قدس را در نفوس مردم شام بزرگ گرداند
 تا ایشان به جای آنکه برای حج به معه روند بدانجا روی آرند . زیرا رفتن
 مردم را به معه ناخوش می داشت از بیم آنکه مبادا برفضائل اهل بیت
 رسول خدا صلی الله علیه وسلم آگاه شوند و با « بتی امیه » دگرگون گردند .

لد - از بلاد فلسطین است فد . در « اللباب » آمده است که ، لد
 به ضم لام و تشدید دال بی نقطه موضعی است در شام . و دجال در آن
 کشته شود . فاصله آن از رمته به قدر یک تاخت اسب است .

لجون - دیگر از بلاد فلسطین لجون است به فتح لام و ضم جیم
 مشدد و آن قریه ای است در فاصله نیم منزلی غربی بیسان . در « الاطوال »
 آمده است که : لجون در طول نومه و عرض ل واقع است .

رقیم - دیگر رقیم است و آن بلدة کوچکی است نزدیک بلقاء
 همه خانه هایش در صخره ای تراشیده شده چنانکه گوئی همه يك نكه
 سنگ است .

بلقاء - بلقاء یکی از کوره های شراه است و آن ناحیه ای است
 آبادان . و شراه به فتح شین نقطه دار و راء بی نقطه و الف و تاء در آخرش .
 حسبان - به ضم حاء بی نقطه و سکون سین بی نقطه و باء يك نقطه
 سپس الف و نون در آخر ، شهر کی است . وادی دارد که در آن درختان
 و آسیابها و بستانها و کشت و زرع باشد . این وادی به غور و زغر
 پیوسته است .

اریحا - در مغرب بلقاء است و با آن يك مرحله فاصله دارد .

دریاچه زغر - دریاچه زغر در جنوب اریحا است به فاصله يك تاخت اسب . این دریاچه را بحيرة المنتنه گویند . در آن هیچ موجود زنده ای نیست نه ماهی و نه جانور دیگر . ماده ای به نام « حمر » بهضم حاء بی نقطه و فتح میم مشدد و راء بی نقطه از آن به دست آید و مردم آن دیار آن را به درختان تارك و انجیر مانند و گویند برای این درختان همان خاصیت لقاح را در درختان خرما دارد .

دیار قوم لوط - نزدیک به بحيرة المنتنه دیار قوم لوط است و آن را ارض مقلوبه نیز خوانند در آنجا هیچ حیوان و هیچ کشت و زرعی حتی گیاهان خشك یافته نشود . سرزمینی است سیاه و مفروش از سنگهایی همه چند یکدیگر . گویند همان سنگهایی است که بر قوم « لوط » افکنده شده .

جبل عامل - از اماکن مشهور شام جبل عامل است . و آن ناحیه ای است در مشرق و جنوب ساحل تا نزدیک صور . شقیف که الملك المظاہر بیبرس آن را از فرنگیان باز پس گرفت آنجاست .

جبل عوف - در جنوب شرقی جبل عامل ، جبل عوف واقع شده . مردمش متمرّد و عاصی بودند ، پس اسامة در آنجا حصن عجلون را بنا کرد تا به اطاعت آمدند .

عجلون - عجلون حصنی است بس استوار ، مشرف است بر شعور . شهرش را درختان و رودها و نعمت بسیار باشد .

جبل الصلت - در جنوب شرقی عجلون ، جبل الصلت است . مردمش متمرّد و عاصی بودند . الملك المعظم بدان سبب قلعه صلت را بنا کرد و ایشان را به اطاعت آورد . میان جبل الصلت و عجلون دو مرحله است . و همین فاصله است میان آن و کرک .

جبل الشراة - جبل الشراة در جنوب بلقاء است و پشت آن بیابانی است که اکنون گروهی از کشاورزان در آن سکونت دارند .

حمیمه - در جانب جبل الشراة ، حَمِيْمَةٌ واقع شده . از آنجا بود که « بنی عباس » برای گرفتن خلافت قیام کردند . حَمِيْمَةٌ به ضم حا و بی نقطه و فتح دو میم در میانشان یاء آخر حروف و در آخرش هاء، قریه‌ای است در يك منزلی شَوْبَك .

معان - دیگر از اماکن مشهور شام معان است صاحب «الاطوال» موضع آن را در طول نون و عرض ل تعیین کرده است . معان ، به ضم میم سپس عین بی نقطه و الف و نون . ابن حوقل گوید: شهر کوچکی است . مردمش از « بنی امیه » و موالی ایشان اند . و آن قلعه‌ای است از شراة . من می گویم : امروز خراب است و در آن دیاری نیست . در يك منزلی شَوْبَك واقع است .

قاره - دیگر از اماکن مشهور شام ، قاره است و آن قریه بزرگی است تقریباً در وسط راه دمشق و حمص . منزل قوافل است . بیشتر مردمش از « نصاری » هستند . فاصله آن از حمص يك مرحله و نصف مرحله است و از دمشق دو مرحله .

انطرطوس - دیگر از اماکن شام ، انطرطوس است و آن حصنی است بر ساحل دریای روم . ثغر مردم حمص است . مصحف عثمان رضی الله عنه در آنجاست . صاحب « اللباب » گوید : انطرطوس به فتح همزه و سکون نون و فتح طاء بی نقطه و سکون راء بی نقطه و ضم طاء دوم سپس واو و سین بی نقطه در آخرش .

در کتاب «الاطوال» آمده است که: موضع آن در طول س و عرض قدی واقع شده است . به دست مسلمانان فتح شد . بارویش را خراب کردند

و امروز مکانی است آبادان و مسکون .

مصیاف - شهر بزرگی است و از چشمه‌های آن نهرهای کوچکی پدید آمده . دارای بستان‌هاست . قلعه‌ای استوار دارد . مرکز دعوت « اسماعیلیه » است . بردامنه شرقی کوه لُحَام و يك فرسخی شمال بارین و به فاصله يك روزه راه در مغرب حماة واقع است . لُحَام به ضم لام و تشدید کاف و الف و میم .

عین‌الجر - در عین‌الجر که در ذکر صیفا به آن پرداخته‌ایم آثار باستانی عظیمی است از صخره‌ها بر آورده .

عین‌الجر در يك منزلی جنوب بَعْلَبَك است . نزدیک به آن دیهی است معروف به مجدل بر سر راهی که از راه بَعْلَبَك جدا می‌شود در وادی قسیم . از عین‌الجر نهر بزرگی پدید آید که سرزمین‌های اطراف را سیراب کند .

عین معروف و جر به فتح جیم و تشدید راء بی نقطه .

دمشق - ابن حوقل گوید : آغاز نهرهای دمشق از زیر کنیسه‌ای

است موسوم به فِیجَه . حفره‌ای که این نهر از آن خارج می‌شود مقدار يك ذراع است در يك ذراع . آنگاه به دره‌ای می‌افتد که از اطراف آن چشمه‌های دیگری می‌جوشد و سپس با روه بَرَدَا می‌آمیزد و از مجموع آنها سایر نهرهای دمشق بیرون می‌آید . در دمشق مسجدی است که در تمام بلاد اسلام مسجد نیکوتر و پرتکلف‌تر از آن بنا نشده است . دیوارها و گنبد بسالای محراب نزد مقصوره از بناهای « صابثین » است و پیش از آن مصلائی ایشان بوده است و سپس به دست « یهود » و « بت پرستان » افتاد . و چون یحیی علیه السلام در این زمان کشته شد ، سرش را بریکی از درهای این مسجد موسوم به جناب جیرون نصب کردند . چون این مسجد به دست « نصاری »

افتاد در تعظیم آن مبالغه کردند. در عصر اسلامی به تصرف مسلمانان در آمد و بر همان باب جیرون که سر یحیی علیه السلام را نصب کرده بودند سر حسین بن علی رضی الله عنهما را نصب کردند. ولید بن عبدالملک آن را تعمیر کرد و زمینش را از مرمر فرش نمود و دیوارهایش را از مرمر سفید و سیاه پوشید و ستونهای مرمرین در آن برپا داشت. و بندهای سر ستونها را از زر و یاقوت را از سرب و ارزیز کرد، و گویند خراج شام را بر آن وقف نمود. مهلبی گوید: در یکی از ارکان مسجد جامع دمشق مکتوبی یافته شد و در آن آمده بود که: این خانه را ذامقیوس به نام الهه زیوش ساخته است. همو گوید که: ذامقیوس نام پادشاهی است که آن را بنا کرده و زیوش را به عربی «مشری» گویند.

مرج راهط به دیگر از اماکن شام، مرج راهط است. در «المشترک» آمده است که: مرج راهط در غُوطَة دِمَشْق است از ناحیه مشرق و واقع میان «یمانیان» و «قیسیان» در آنجا واقع شد. در آن واقعه مردان و «یمانیان» پیروز شدند و «قیسیان» منهزم گردیدند و کار خلافت بر مردان قرار گرفت. این واقعه در سال ۶ هجری بود. شعرا را در این واقعه مرج راهط اشعار بسیار است.

مَعْرَة نَسْرین - دیگر از اماکن مشهور شام، مَعْرَة نَسْرین است به نون و سین بی نقطه. مسعانی گوید: مَعْرَة نَسْرین مشهور است به مَعْرَة مَصْرِدین به میم و صاد بی نقطه. و ابن حوقل گوید: مَعْرَة نَسْرین شهر متوسطی است و مزارع همه قراء اطرافش دیم باشد و در سرتاسر آن نه آب جاری یافته شود و نه چشمه ای. و نیز همه جند نَسْرین دیم است و آبش از باران. در «الاطوال» آمده است که مَعْرَة المَصْرِدین در طول سائب و عرض سه یب واقع گردیده است.

اثراب - دیگر از اماکن مشهور شام ، اَثْرَاب است. به همزه مفتوح و ثاء سه نقطه و الف و راء بی نقطه و بساء يك نقطه . در طول سب و عرض ثه .

کوره قورس - و از بلاد مشهور شام است کوره قورس . قاعده آن در طول سآم و عرض ثوک واقع شده ، در کتاب « الاطوال » نیز همین طول و عرض ذکر شده است .

رستن - از اماکن مشهور قدیم شام یکی شهر رستن است. در گذشته آبادان بوده است ولی اکنون خراب است . اکنون در آنجا خانه‌هایی است افدک چون قریه‌ای. و آثار بنا و دیوارها و برخی طاق‌ها و دروازه‌های شهر و باروها و کاریزها هنوز در آن دیده شود . رستن در جنوب آب‌عاصی است بر کوهی که بیشترش از خاک است . شهر ، میان حمص و حماه است در « الاطوال » طول آن سآ و عرض آن ثدیج ذکر شده. و گویند که از زمان فتوحات شام خراب مانده است .

فوعه - دیگر از اماکن مشهور شام شهر فوعه است به قول صاحب « الاطوال » در طول سآمه و عرض لهک . فوعه با سرعین و معرة مصرین در يك سرزمین است ، یعنی از اعمال حلب و در يك منزلی جنوب آن . در این سرزمین درختان زیتون و انجیر و غیره بسیار است .

اعزاز - دیگر از اماکن شام ، اعزاز است . قلعه‌ای است مشهور و به قول صاحب « الاطوال » در طول سآ نه و عرض ثو . در شمال غربی حلب . ابن سعید گوید : حوالی شهر اعزاز در نهایت زیبایی و طراوت است . از دل‌انگیزترین و پر نعمت‌ترین آن نواحی است . و در « اللباب » آمده است که : از اعمال حلب است . اعزاز به فتح عین بی نقطه و زاء نقطه دار و الف و زاء نقطه دار مکسور دوم . و آن قلعه‌ای است نزدیک حلب و شاعر درباره

آن گوید :

إِنَّ هَلْبِي بِالتَّلِّ قَلَّ عَزَازٍ عِنْدَ ظُهْيٍ مِنَ الْغُبَاءِ الْوَازِ

تل باشر - دیگر از اماکن مشهور شام قلعه قَلَّ باشر است . ابن سعید گوید : قَلَّ باشر در دو منزلی حَلَب است و در آن بستان‌ها و آب بسیار باشد .

خُناصره - از اماکن شام خُناصره است . در طرف بیابان . در مشرق حَلَب با اندک میلی به جنوب و در دو منزلی حَلَب . در کتاب « الاطوال » طول آن شصت و دو درجه و نصف درجه و عرض آن را سی و پنج درجه و سی دقیقه ، ضبط شده . ابن حوقل گوید : عمر بن عبدالعزیز یکی از خلفای « بنی امیه » آنجا می نشست . خُناصره به حاء نقطه دار مضموم و نون مفتوح و الف و صاد بی نقطه و راء بی نقطه سپس هاء در آخرش .

کوره حیار - از کوره‌های حَلَب است کوره حیار . در این زمان بیابانی است مسکن و خوش . ذکر آن در کتب بلدان آمده است . احمد کاتب گوید : کوره الحیار معروف به حیار بنی القعقاع . مردمش از « عبس » و « فزاره » و غیر ایشان اند . به حاء بی نقطه مکسور و یاء آخر حروف و الف و راء بی نقطه .

احص و شبیث - یاقوت حموی در « المشترك » گوید : احص به فتح همزه و حاء بی نقطه سپس صاد بی نقطه و شبیث به صیغه مصغر به ضم شین و فتح باء يك نقطه و در آخرش ثاء سه نقطه نام دو موضع است هم در نجد و هم در بلاد حَلَب . و گوید : همنام بودن این دو موضع در این دو سرزمین با این طول مسافت عجیب می آید . احص کوهی است بزرگ و در آن چند قریه در مشرق حَلَب میان حَلَب و خُناصره . خُناصره در جانب شرقی است . شبیث کوهی است کوچکتر از احص و در مشرق آن . میانشان وادی است

به قدر يك تاخت اسب و حناصره در آنجاست .

عواصم - ابن حوقل گوید : عواصم نام ناحیه ای است نه نام موضعی .
قصه آن انطاکیه است .

ابن خردادبه از عواصم دانسته است این اماکن را : کوره منبج و کوره
تیزین و بنایس و رصافه را معروف به رصافه هشام و کوره جوومه را .
و نیز اقلیم شیزرو اقامیه و معرة النعمان و اقلیم صوران و اقلیم اطمین و
اقلیم قل باشر و کفرطاب و اقلیم سلمیه و اقلیم جوسیه و اقلیم لبنان
تا اقلیم قسطل میان حمص و دمشق .

سویدیه - از بلاد شام است سویدیه . ابن سعید گوید : سویدیه
بره صب آبعاصی است . و در اینجاست که دریای زقاق از جهت مشرق
به شمال می پیچد و در این نقطه خلیج آرمن و شهرهای مشهور ساحل آن
واقع شده است . و نخستین شهری که در جانب شمالی دریا قرار دارد
مصيصة است بر کنار رود جیحان . سویدیه در طول سی و عرض سه
واقع است .

قلعه منبج - ابن سعید گوید : میان قران ، آنجا که قلعه نجم واقع شده
تا جسر منبج بیست و پنج میل است قلعه منبج قلعه ای است سه برابر سویده . پیش از این
آنجا را حصن منبج می خواندند و امروزه قلعه منبج معروف است . این قلعه را
سلطان محمود بن ذنگی بنا کرده و از این جسر که بگذریم به حران رسیدیم . و بالای
آن به يك مرحله ، حصن دنا واقع است و از آنجا به سروج روند . در کتاب
« الاطوال » آمده است که : موضع جسر منبج در طول سب ل و عرض ثوب باشد .
زبطره - از بلاد شام است به زاء نقطه دار مفتوح و فتح باء يك
نقطه سپس طاء بی نقطه ساکن و راه بی نقطه و هاء در آخرش . ابن حوقل
گوید : زبطره حصنی است از همه ثغور به بلاد روم نزدیک تر . و رومیان

آن را خراب کردند . در «الاطوال» آمده است که : زَبَطْرَه در طول سَاكَّ و عرض ثَوْن واقع است . من می گویم : زَبَطْرَه اکنون خراب و خالی است و در آنجا هیچ چیز نیست نه زارعی و نه مزروعی . تنها باروئی است نزدیک به فنا ، زَبَطْرَه در سرزمینی است هموار و کوهها از اطراف بدان محیط شده ، در دو منزلی جنوب مَلَطِيَه و نیز در دو منزلی مغرب حصن منصور . میان آن و حصن منصور کوه و دربندی قرار دارد . در محرم سال ۷۱۵ ، سالی که مَلَطِيَه را گشودیم من از آن دیار گذشتم . محرم مصادف نیشان بود . و ما در زَبَطْرَه در میان درختان بلوط خرگوش‌هایی بسیار بزرگ که در شام همانند آنها ندیده بودیم شکار کردیم .

در «المشترك» آمده است که : ثغر به فتح ثاء سه نقطه و سکون غین نقطه دار در آخرش راء بی نقطه نام هر موضعی است که رو به روی دشمن باشد . آذَنَه و طَرَسُوس و توابع آن دو از ثغور شام بودند ، «ارمن‌ها» آنها را تصرف کردند . نیز ثغرهائی در ماوراءالنهر بود که به دست کفار افتاد و نیز در آندلس و دیگر جای‌ها .

«آرمن» به فتح الف و سکون راء بی نقطه و فتح میم و نون در آخرش طایفه‌ای از «روم» هستند و بلادشان را بلاد ارمن گویند .

مَلَطِيَه - ابن حوقل مَلَطِيَه را از جمله بلاد شام شمرده و گوید : مَلَطِيَه شهر بزرگی است از ثغور در دامنه کوه نِتام ، در يك منزلی قسراء روم . و ما آنرا از بلاد آرمن شمردیم و این درست تر است . ولی ابن خردادبه آن را از ثغور جزیره شمرده است .

کنیسه و هارونیه - از اماکن مشهور این اقلیم یکی کنیسه است و دیگر هارونیه از بلاد آرمن . هارونیه منسوب است به بانای آن هارون الرشید . در «المشترك» آمده است که : هارونیه شهر کوچکی است که

هارون الرشید در جانب کوه لُتّام در ثغر بنا کرد . و در «العزیزی» آمده است که : هارونیه آخرین حد ثغور شام است در آنجا که به جزریه می پیوندد . و میان آن و کنیسه السّوداء دوازده میل است . در کتاب «الاطوال» طول هارونیه سی و سه عرض آن تَرَک ذکر شده .

ذکر مسافتات شام - ابن حوقل گویند : درازای شام از مَلْعَطِیَه تا رَفَج بیست و پنج مرحله است و از مَلْعَطِیَه تا مَنبِیج چهار مرحله و از مَنبِیج تا حَلَب دو مرحله و از حَلَب تا حِمص پنج مرحله و از حِمص تا دِمَشق پنج مرحله و از دِمَشق تا طَبْرِیَه چهار مرحله و از طَبْرِیَه تا رَمْلَه سه مرحله و از رَمْلَه تا رَفَج دو مرحله که مجموعاً بیست و پنج مرحله شود . اما پهنای آن : پهن ترین قسمت آن از فُرات است تا جسر مَنبِیج تا قُورس در حدود قِیسَرِیَن تا عواصم در حد اَقْطَاکِیَه تا کوه لُتّام تا مَصِیصَه تا اَذَنَه تا طَرَسُوس که مجموعاً ده مرحله شود . اما طرف دیگر آن از حد فِلسطین است تا یافا تا رَمْلَه تا بیت المقدس تا اریحا تا زغر تا جبل الشراء تا معان و مقدار آن شش مرحله است . و میان این دو طرف شام جائی نیست که پهنای آن از اَرْدَن و دِمَشق و حِمص از سه روزه راه بیش باشد . چه از دِمَشق تا طَرابُلُس بر ساحل دریای روم دو روزه راه است از جانب مغرب و از حِمص تا سَلْمِیَه بر کناره بادیه یسک روزه راه است از جانب مشرق و از طَبْرِیَه تا صُور بر ساحل دریا یسک روزه راه است از جانب مغرب و از آنجا تا اریحا و اَفِیق در حدود دیارجنی هزاره یک روزه راه است از جانب مشرق . این بود درازا و پهنای شام .

اریحا - در «المشترک» آمده است که : اریحا به کسر راء بی نقطه و سکون یاء دو نقطه تحتانی و حاء بی نقطه و الف مقصوره یا ممدوده . و نیز در همان کتاب آمده است که : گاه الف در اولش در آورند و اریحا

خوانند و آن قریه‌ای است در غور به فاصلهٔ يك روزه راه از بیت‌المقدس و اریحا قریهٔ جباران است. من می‌گویم: در کتب «اسرائیلی» ذکر آن آمده است. صاحب «العزیزی» گوید: اریحا نخستین شهری است که یوشع بن‌نون از اعمال شام گشود. روه اُرْدُن در چهار میلی آن جاری است. «نصاری» می‌گویند مسیح در آن رود تعمید یافت. در حوالی آن معادن گوگرد باشد و در تمامی فِلِسْطِین جز در آنجا معدن گوگرد نیست. در اریحا و سمه کارند و از آن نیل سازند.

میان آن و بیت‌المقدس دوازده میل است از جانب مغرب. صاحب «الاطوال» طول آن را نَوَ مِیْر و عرضش را لَوَیْ نوشته که به نظر من قابل تأمل

| ردیف | نام بلد | تأخذ | شهرین اعظم از اعظم ای عسرتی : بلاد شام | | | | ضبط نام | | |
|------|-------------|-------------------------------|--|-------------------|--------------------|-------------------|---------|-----------|---|
| | | | طول | | عرض | | | | |
| | | | درج | دقیقه | درج | دقیقه | | | |
| ۱ | زده | اطوال ابن سعید | نو نر | ی ۰ | لب لب | ۰ ۰ | از سوم | حد فلسطین | به فتح عین نقطه دار و تشدید زاء نقطه دار و در آخرش هاء. |
| ۲ | عسقلان | اطوال قیاس ابن سعید | نو نو | ل ی | لب لب | یه ی | از سوم | از فلسطین | به فتح عین بی نقطه و سکون سین بی نقطه و فتح قاقولام و المرود در آخرش تون . |
| ۳ | یافا | اطوال قانون قیاس | نز نو نو | م ک ی | لب لج لب | ک ۰ م | از سوم | از فلسطین | به فتح یاء دو نقطه تحتانی و الف و فاء و الف در آخرش . |
| ۴ | قیساریه شام | قانون اطوال رسم قیاس | نه نز نز نو | ک س س یه | لب ب لج ب | ن س یه س | از سوم | از فلسطین | به فتح قاف و سکون یاء دو نقطه تحتانی و فتح سین بی نقطه و الف و راه بی نقطه سین یاء دو نقطه تحتانی و هاء (اللاب) . |

ادعای و اخبار عامه

در طول غزوه اختلاف کرده اند. اقوی آنست که ۶۵ درجه باشد، بنا بر آنچه در «اللباب» آمده است. ابن حوقل گوید: قبر هاشم بن عبدمناف در آنجاست. و شافعی رضی الله عنه در غزوه متولد شد و عمر بن الخطاب رضی الله عنه در عصر جاهلیت در آنجا اسیر گشت. زیرا غزوه در آن عهد راه اهل حجاز بود. شهری است نه چندان بزرگ. بر ساحل دریا باغ ها دارد. نخلستان هایش انندک و تاکستان هایش بسیار است. بین غزوه و دریا در جوار باغستان هایش تپه های رمل دیده شود. قلعه ای حقیر دارد.

عسقلان شهری است کهن بر ساحل دریا. میان غزوه و عسقلان در حدود سه فرسخ فاصله است و آن از جمله ثغور اسلام است. در «العزیزی» آمده است که: شهر عسقلان بر ساحل دریاست و از شهرهای مهم ساحل بشمار است. بندری ندارد. شرب مردمش از چاه هاست. این چاهها آب شیرین دارند. میان آن و غزوه دوازده میل است و میان آن و رمله هیجده میل. در این زمان شهری است ویران و خالی از سکنه.

یافا شهر کوچکی است. پر نعمت و آسایش بر ساحل دریا. از فرضه های مشهور است. یافا قلعه استواری داشت و بازارهای پر رونق و بازرگانان و نیز بندری دارد بزرگ که محل آمد و شد کشتی های است که به فلسطین می روند و از فلسطین می آیند، یا به جاهای دیگر. میان آن و رمله شش میل است. در مغرب رمله واقع شده.

در «المشترک» آمده است که، قیساریه شهری است بر ساحل دریای شام از اعمال فلسطین. پیش از این شهری بزرگ بوده ولی امروز ویران است. نیز قیساریه شهری است در بلاد روم. شریف ادیبی گوید: قیساریه بندرگاهی است که تنها گنجای يك کشتی دارد. ابوریحان گوید: نام آن را در اصل قیسرانیته بوده و باید به صاد نوشته شود. صاحب «العزیزی» گوید: میان آن و رمله بر ساحل دریای سی و دو میل است و همو گوید: قیساریه شهر بزرگی است تا عسقلان و شش میل فاصله دارد.

| ردیف | نام بلد | گازد | شهرین اعظم از اعظم های عسرتی : بلاد شام | | | | ضبط نام ها | |
|------|-------------------------------|------------------------|---|-------------|----------------|-------------|-----------------------|---|
| | | | طول | | عرض | | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | | |
| ۵ | آرسوف | قانون و رسم قیاس | نو نو | ن به | لب لب | مه مه | از سوم از فلسطین | به ضم همزه و سکون براء بی نقطه و ضم سین بی- نقطه سین واو و در آخرش فاء . |
| ۶ | رملة | اطوال قیاس قانون | نو نو نو | ن ن ن | لب لب لب | ی ه م | از سوم قصبة فلسطین | به فتح راه بی نقطه و سکون ميم و لام و هاء در آخرش . |
| ۷ | بیت جبرون . مقبره خلیل آنجاست | زیج قیاس | نو نو | ن ن | لا لب | ل ع | از سوم از فلسطین | به فتح حاء بی نقطه و سکون باء يك نقطه و ضم راء بی نقطه و واو و نون در آخرش . |

اصحاف و اخبار عامه

اَرسُوف شهری است دارای قلعه‌ای . پیش از این مسکون بود . بر ساحل دریای روم است صاحب «العزیزی» گوید : میان آن و آرمله دوازده میل است و میان آن و یافا شش میل . اَرسُوف شهری است بر ساحل دریا بازاری دارد و باروئی و تا قیساریه هیجده میل فاصله دارد . اکنون شهری است خراب و نحالی از سکنه .

اقوی در نزد من آن است که رمله در طول نون واقع است آنسان که در «الأطوال» آمده است و در عرض لب م : آنسان که در «قانون» . صاحب «المشرك» گوید : رمله شهری است از فلسطین از بناهای سلیمان بن عبدالملك . صاحب «العزیزی» گوید : رمله ، قصبه فیلسطین است و شهری است جدید . یا بیت المقیدس يك روزه راه فاصله دارد . و نیز گوید : چون سلیمان بن عبدالملك نهد را ویران کرد رمله را بنا نمود و میان آن دو ، سه فرسخ است . نهد در مشرق آن است . عبدالملك را در رمله خانه‌ای بود . قناتی با آبی انلك بدانجا کشید . بیشتر شرب مردمش از چاه‌هاست یا از آبگیرهایی که آب باران در آن گرد آید . رمله در سرزمینی است هموار .

بیت حبرون مکان قبر ابراهیم و اسحق و یعقوب است صلوات الله علیهم . در يك صف . و قبر زنانشان در صف دیگر . شهر درگودی است میان کوه‌هایی پر از درخت . درختان این کوه و دیگر کوه‌های فیلسطین و جلگه‌های آن همه زیتون و انجیر و خروب است . و میوه‌های دیگر کمتر یافته شود . ابن حوقل گوید : میان بیت لحم و بیت المقیدس شش میل است . و آن زادگاه عیسی است صلوات الله علیه «مسیحیان» کنبه بیت لحم را بزرگ دارند .

| ردیف | نام جمله | ماخذ | شهرن اقليم از اقليم های عسرتی : بلاد شام | | | | ضبط نام ها |
|------|-------------|--|--|----------------------------|----------------------------|-----------------------------|---|
| | | | طول | | عرض | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | |
| ۸ | جيتا لمكيس | اطوال قانون ابن سعید رسم قیاس | نو نو نو نو نز | ل لا لا لا ل | ن ج ج ج ج ه | از فلسطین یا اردن از سوم | به فتح میم و سکون قاف و کسر دال بی نقطه و در آخرش سین بی نقطه. |
| ۹ | خاچکس | اطوال قیاس | نز نو | ل که | ی ب ب ه | از اردن از سوم | به فتح نون و الف و ضم باء يك نقطه و لام و سین بی نقطه در آخرش دال انساب معانی» |
| ۱۰ | عینا | زیج ابن سعید قانون اطوال رسم قیاس | نو فح فح فح فح نو | ن ه ه ه ه ه | ل ل ل ل ل ل | از سواحل شام از سوم | به فتح عین بی نقطه و تشدید کاف و فتح آن سپس الف «اللباب». |

اوصاف و اخبار عامه

بیت المقدس را سلیمان بن داود بنا نهاد و بخت النصر ویران ساخت . سپس ملوک فرس ، یار دیگر بنایش کردند و طیطوس ملك روم ویرانش ساخت . پس بار دیگر بنا و ترمیم شد ، تا قسطنطین و مادرش هلانه ، به کیش مسیح در آمدند و هلانه بنائی بر سر قبری که می پنداشت عیسی در آن مدفون است بر آورد و بنائی را که بر روی صخره بود ویران ساخت و از روی کتبه ای که با « قوم یهود » داشت آنجا را مکان زباله های شهر کرد . و اینچنین بود تا عمر بن خطاب رضی الله عنه قدس را بگشود . پس یکی از یهود او را به موضع صخره راهنمائی کرد . عمر آن مکان را پاکیزه ساخت و بر روی آن مسجدی بنا کرد ، تا ولید بن عبدالملک به حکومت رسید و « قبة الصخره » را به همان حال که امروز هست بنا نهاد .

در « العزیزی » آمده است که : چون ده مبط از اسباط اسرائیل به فرمان پرچم در آمدند و او بر فرزندان سلیمان بن داود خروج کرد ، در فابلس مکانی گزید و بر کوهی از آن دیار هیکل عظیمی بر پا نمود و سلیمان بن داود و دیگر پیامبران « بنی اسرائیل » را تکفیر کرد ولی به نبوت موسی و هارون و یوشع قائل شد و برای سامری ها کیش تازه ای آورد و تا از قضائل فرزندان سلیمان آگاه نشوند و بر او و پیروانش عاصی نگردند ایشان را از حج بیت المقدس بازداشت و از آن پس بر کوه کوچکی در خارج شهر فابلس حج کردند .

در « اللباب » آمده است که : عککا شهر بزرگی است از سواحل شام . درون شهر چشمه ای است معروف به عین البقر و در آنجا مسجدی است منسوب به صالح علیه السلام . و در کتب مسالك آمده است که : بین عککا و حطیر ثدیست و چهار میل است و از آنجا تا شهر صور دوازده میل . مسلمانان در سال - ۶۹ آن را از فرنگ باز پس گرفتند و از آن پس تا کنون شهری ویران است . من در آن فتح حاضر گشتم و به فیض جهاد نائل آمدم .

| شماره | نام محل | سماخذ | شهرين اعظم از اعظم های مسرتی و بلاد شام | | | | ضبط نام ها | | |
|-------|------------|---------------------------------------|---|----------------|----------------|-------------|------------|-----------|--|
| | | | طول | | عرض | | | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | | | |
| ۱۱ | بیسکان | اطوال قیاس | نح نو | • ل | لب لب | ن ه | از سوم | ز ردن | به فتح باء يك نقطه و مسكون ياء دو نقطه تحتانی و فتح سين بی نقطه و الف و نون. |
| ۱۲ | ظهورینه | اطوال رسم و این سعید قیاس | نح نر نو | ته مه له | لب لب لب | ه • ی | از سوم | قصبة اردن | به فتح طاء بی نقطه و باء يك نقطه و کسر راء بی نقطه ویاء دو نقطه تحتانی مشدد و در آخرش هاء . |
| ۱۳ | صفت | زیج قیاس | نر نو | ته ن | لب لب | ن ن | از سوم | از اردن | به فتح صاد بی نقطه و فاء سپس تاء دو نقطه فوقانی و مردم بجای تاء مذکور دال بی نقطه آرند. |

اوصاف و اخبار عامه

بیسان شهر کوچکی است بدون بارو . دارای بستان ها و نهرها و چشمه ها و آن در مغرب تخور است . شهری است پر نعمت . از جمله رودهایش رود کوچکی است که از چشمه ای می جوشد و از میان شهر می گذرد . میان بیسان و تطبیریه هیچکس میل است و آن در جنوب تطبیریه

در «العزیزی» آمده است که : میان تطبیریه و عثمان هنتاد و دو میل ، و میان تطبیریه و جتیب یوسف شش میل . شهر تطبیریه در ناحیه تخور بر ساحل دریاچه تطبیریه است . درازای این دریاچه دوازده میل و پهنایش شش میل است . کوه در مغرب شهر است و دریاچه در مشرق و کوهی گرد بر گرد آن را فرا گرفته است . تطبیریه سابقاً قاعده اردن بود و امروز شهری است ویران . صلاح الدین آن را از فرنگیان بازپس گرفت و از آن پس ویران شد . بانی آن طبریوس یکی از ملوک یونان از « بطالسه » بود و نام تطبیریه از تمام او گرفته شده . در تطبیریه چشمه های آبی است بسیار گرم و بر سر آنها حمامهایی ساخته اند و مردم در آن حمام ها شستشو کنند .

صفت شهری است نه بزرگ و نه کوچک . قلعه ای دارد با پناهی نیکو و استوار و مشرف است بر دریاچه تطبیریه . قناتی دارد که مردم از آن آب نوشند و تا در قلعه می آید . بستان هایش در وادی است در فرود قلعه ، از آن سو که به دریاچه راه دارد . پناهای ربض بر سه کوه پراکنده است . توابع بسیار دارد . چون الملك الظاهر آن را از دست فرنگیان باز پس گرفت مرکز آن گروه از سپاهیانش قرارداد که از بلاد ساحلی آن طرف حفاظت می کردند .

| ردیف | نام بلیه | ساخته | شهرن تقویم از اهلیم های عسری : بلاد شام | | | | | | ضبط نام |
|------|-------------------|-----------------|---|---------|----------|--------|---------------|---------------|--|
| | | | طول | | عرض | | اهلیم عربی | اهلیم عربی | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | | | |
| ۱۴ | صویر | اطوال قیاس | نح نز | نه ۰ | لب لب | م ه | ازسوم | ازسواحل دمشق | بهضم صادی نقطه و سکون و او در آخرش راء بی نقطه. |
| ۱۵ | صلتا | به قولی قیاس | نح نز | ی ل | لب لب | ج ن | ازسوم | از اردن | به فتح صاد بی نقطه و سکون لام و در آخرش تاء دو نقطه فوقانی . |
| ۱۶ | عجلون و جاعو کومه | به قولی قیاس | نح نز | ی ۰ | لب لب | ی ۰ | ازسوم | از اردن | به فتح عین بی نقطه و سکون جیم و ضم لام و وار و نون در آخر . باعوثه به فتح باء یک نقطه و الف و ضم عین بی نقطه و او و واء سه نقطه و هاء در آخرش . |
| ۱۷ | شعیف الرنون | قیاس | نح | ک | لب | ن | ازسوم | از اعمال دمشق | به فتح شین نقطه دار و کس قاف و سکون یاء دو نقطه تحتانی و واء و ارنون به فتح همزه و سکون را و بی نقطه و ضم نون و سکون و او سپس نون در آخرش . |

اوصاف و اخبار عامه

صُور شهری است بس استوار بر ساحل دریا . گویند کهن ترین شهرهای آن ساحل است . و عموم حکمای یونانی از آنجا برخاسته‌اند . شریف ادریسی گوید : لنگرگاهی داشت که راه آن از زیر پلی می‌گذشت و بر آن زنجیری بود که هر وقت می‌خواستند کشتی‌ها را از دخول باز می‌داشتند . این سعید گوید که : صُور را از جانب خشکی باروئی نیست چه فرنگیان اب دریا را گرداگرد آن در آورده‌اند . صاحب «العزیزی» گوید : میان صُور و عسکا دوازده میل است . بهسال ۹۰۶ با عسکا فتح شد و خراب گردید و امروز نیز ویران و نحالی است .

صَلت بلده‌ای کوچک است از اُرْدُن بر کوهی از کوه‌های شرقی غور در يك منزلی جنوب عَجَلُون و روبه روی اریحا مشرف بر غور از زیر قلعه صَلت چشمه‌ای بزرگ می‌جوشد و آبش به نهر صَلت روان می‌شود . صَلت را بستان‌های بسیار است . تارخانه‌ای که از آن خیزد بس مشهور است . صَلت شهری آبادان است و پرجمعیت .

عَجَلُون قلعه‌ای است و ربض آن مسمی است به باعُوْثَه . قلعه به قدر يك میدان اسب از شهر دور است و آن دو بر کوه شرقی غوراند . روبه روی بیسان حصن عَجَلُون قلعه‌ای است بس استوار و بلند چنانکه از بیسان دیده شود . آن را بستان‌ها و آب‌های جاری است . در مشرق بیسان واقع شده و حصنی است جدید . عزالدین اسامه از بزرگترین امراء صلاح الدین آن را ساخته است .

در «المشرك» آمده است که : شقیف ارتون میان دمشق و ساحل دریا نزدیک بانیا واقع شده . ارتون نام مردی است . شقیف قلعه‌ای استوار است . دیگر شقیف تیرون است به کسر تاء دو نقطه فوقانی و سکون یاء دو نقطه تحتانی و ضم راء بی نقطه و واو و نون . و همو گوید که : شقیف تیرون نیز قلعه‌ای است نزدیک صُور بر ساحل دریا .

| شماره | نام بلايه | ماخذ | شهرين اعظم از اعظم های حسنی، بلاد شام | | | | ضبط نام ما |
|-------|---------------------------|---------------|---------------------------------------|----------|---------|---|--|
| | | | طول | | عرض | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | |
| ۱۸ | عمان | اطوال | نو | ك | لا | ج | از بلقاء . العزیزى؛ قاعدة بلقاء است به فتح عین و میم مشدد و الف و نون در آخرش . |
| ۱۹ | تنگرک ابن سعید قیاس | نو نوا | ن نوا | لا لا | س س | از سوم شاید از بلقاء . به فتح کاف و راء بی نقطه سه کاف دوم در آخرش . | |
| ۲۰ | ساب یا ربه | اطوال قیاس | نو نوا | س س | س لا | ج لا | از بلقاء . به قول صاحب العزیزى ، ساب و أذخ دوشهران الذجل المرأه از سوم به فتح میم و الف و باء يك نقطه در آخرش . و ربه به فتح راء بی نقطه و تشدید باء يك نقطه و هاء در آخرش . |

اوصاف و اخبار حاتم

عثمان شهری است کهن و ویران از پیش از اسلام. در تواریخ اسرائیلیان نام آن بسیار آمده است. ویرانه‌های بسیار دارد. نهر ترقاء از پائین آن می‌گذرد. این رود بر دروازه حجاج شام در مغرب ترقاء در يك منزلی شمال بوسکه زیوا است. عثمان از ناحیه بلبقاء است. آثاری عظیم دارد. و نیز درختان بن و دیگر درختان در آنجا بسیار باشد. همه اطراف عثمان مزارع و زمینش حاصلخیز است. در کتاب «الاطوال والعروض» آمده است که: لوط پیغامبر علیه السلام عثمان را بنا کرد. و صاحب «اللباب» گوید: عثمان مدینه بلبقاء است.

کترک شهری است مشهور. قلعه‌ای در مکانی بلند دارد. و آن از جمله قلاع شام است که کس را یارای فرا رفتن بر آن نیست و گشودنش به دشواری میسر. مؤتبه در کمتر از يك منزلی آن واقع است. و قبر جعفر طیار و اصحاب او رضی الله عنهم آنجا است. پایین کترک وادی است دارای گرمابها و بستان‌های بسیار و میوه‌های نیکو از زردآلو و انار و گلابی و غیر آن. کترک در کنارشام ا جانب حجاز. میان کترک و شوبک در حدود سه مرحله است.

ماب شهری است کهن که اکنون ویران شده است و به صورت قریه‌ای در آمده به نام ربه و آن از توابع کترک است و یا آن کمتر از نصف مرحله فاصله دارد از جهت شمال. بنا بر این در طول و عرضی که برای آن دو ذکر شده باید تامل کرد و نزدیکتر به واقع آن چیزی است که ما در جدول آورده‌ایم. از کتاب «قیاس» نزدیک کرته تپه‌ای است بس بلند به نام شیحان چنانکه از دور دیده شود. ماب را در تواریخ اسرائیلیان نام و آوازه‌ای است. صاحب «العزیزی» گوید: میان ماب و عثمان از راه مورج بچهل و هشت میل است [شیحان به فتح شین نقطه‌دار و سکون یاء دو نقطه و حاء بی نقطه و الف و نون].

| ردیف | نام میلد | آخذ | ششین اقلیم از اقلیم های عربی = بلاد شام | | | | ضبط نام ما |
|------|-------------|--------------------------------------|---|---------|----------|---------|---|
| | | | طول | | عرض | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | |
| ۲۱ | شویک | ابن سعید قیاس | نو نز | ۰ ۰ | لا لا | ۰ ۰ | به فتح شین نقطه داروسکون واو و باء يك نقطه مفتوح و کاف در آخرش . |
| ۲۲ | بهرون | اطوال رسم و ابن سعید وقانون | نط نط | به ل | لج لد | ك ۰ | به فتح باء يك نقطه و سکون یاء دو نقطه تحتانی و ضم راء بی نقطه و واو و تاء دو نقطه فوقانی در آخرش . |
| ۲۳ | طرسوس | قیاس | نح م | لو م | لو م | ن ن | به فتح طاء و راء بی نقطه و ضم سین بی نقطه و سکون واو سپس سین دوم . |
| ۲۴ | صیدا | اطوال قانون و رسم | نح نط | نه ك | لج لج | ۰ مه | به فتح صاد بی نقطه و سکون یاء دو نقطه تحتانی و فتح دال بی نقطه و الف مقصوره در آخرش . |

اوصاف و اخبار عامه

شوبتك شهری است کوچک دارای بستانهای بسیار. بیشتر مردمانش نصاری باشند. در مشرق غنور است و بر کناره شام در جهت حجاز. از زیر قلعه آن دو چشمه می جوشد. یکی از جانب راست و یکی از جانب چپ. چون دو چشم بر صورت. این دو رود از میان شهر می گذرند و آب بستان هایش از آن دو است. بستان ها در وادی است در مغرب شهر. میوه های نیکو دارد. چون زرد آلو و غیر آن که به مصر برند. قلعه اش از سنگ سفید ساخته شده و آن بر تل بلند و سفیدی است در مشرق غنور و مشرف بر آن.

بیروت بر ساحل دریاست. دو برج دارد و نیز بستانها و رودی. شهری پر نعمت. از داعی فقیه از آنجا بود. ابن سعید گوید: بیروت فرضاً دمشق است. صاحب «الغزیری» گوید: میان بیروت و بعلبک که بر عقبه آن میغیته واقع شده سی و شش میل است و میان آن دو شهر عرجموس در بیست و چهار میلی بیروت واقع شده. همو گوید: بیروت شهر جلیلی است. شرب مردمش از قناتی است که آبش را به آنجا کشانده اند. بندری نیکو دارد. میان آن و شهر جبیل هیجده میل است. جبیل بندری دارد و بازار و مسجد جامعی [عقبه المغیته به ضم میم و کسر عین نقطه دار و سکون یاء دو نقطه و تحتانی و ثاء سه نقطه و هاء]

طرسوس در «الباب» آمده است که: طرسوس شهری مشهور است. ثغری بوده است از ناحیه بلاد روم بر ساحل دریای شام. امروز در دست «ارمنهای نصاری» است. خدای تعالی آن را به عالم اسلام بازگرداند. سابقین حوقل گوید: طرسوس شهر بزرگی است. دو باروی سنگی دارد. شهری است در نهایت حریمی و نعمت، میان آن و حدود روم کوه هائی است. این کوهها میان روم و مسلمانان حائل هستند.

صیدا بلدة کوچکی است بر ساحل دریا. دارای قلعه ای. در «الغزیری» آمده است که: از صیدا تا شهر مشغرا که از حد بلاد است در نهایت زیبایی با درختان ورودها و درازای این دره بیست و چهار میل است. و از مشغرا تا کامد که در قدیم قاعده این بلاد بوده. شش میل و از کامد تا دیهی معروف به عین الجتر هیجده میل. و از عین الجتر تا دمشق هیجده میل. پس همه مسافت صیدا و دمشق سی و شش میل است.

| ردیف | نام بلد | گاز | شهرین اعظم از اعظم های عربی و بلاد شام | | | | ضبط نام ها |
|------|---------------|-------|--|-------|------|-------|---|
| | | | طول | | عرض | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | |
| ۲۵ | آداس | زبج | نط | ۰ | لعر | م | از بلاد ارمن از چهارم به فتح همزه ممدود و یاء دو نقطه تحتانی سپس الف و سین بی نقطه در آخرش . |
| ۲۶ | اذنه | اطوال | نط | ۰ | لعر | ن | از بلاد ارمن از چهارم یا قوت در المشترك گویند، به فتح ذال نقطه دار و نون سپس هاء در آخرش و من می گویم و در اولش همزه مفتوح . |
| ۲۷ | جائیس و صبیبه | قیاس | نط | ۰ | لعر | ک | از اعمال دمشق از سوم به یاء يك نقطه و الف و نون و یاء دو نقطه تحتانی و الف دوم و سین بی نقطه . و صیبه به ضم صاد بی نقطه و فتح یاء يك نقطه تحتانی و یاء دوم و هاء در آخرش (اللباب) |

اوصاف و اخبار عامه

آیاس شهر بزرگی است بر ساحل دریا . بندری نیکو دارد و فرسخه آن بلاد است .
فرنگیان در نزدیکی آن در دریا برجی چون قلعه ای بر آورده اند . از آیاس تا بخراس
دو مرحله است و از آیاس تا تَلِّهَ حَمْدُون در حدود يك مرحله . چون مسلمانان بلاد
ساحلی مانند طرا بُلُس و عَتَا و غیر آن را از فرنگیان گرفتند به علت آنکه آن
بنادر در دست مسلمانان افتاد ، آمد و شد ایشان به شام تغلیل یافت پس به آیاس روی
آوردند چه آن شهر در دست « مسیحیان » بود . بدان جهت آیاس بندری مشهور و
مجمع بازرگانان بحر و بر گردید .

احمد کاتب گوید : آذنه را دشید بنا کرد و نیز طرسوس از بناهای
اوست یا قوت در «المشرك» گوید : آذنه شهری است مشهور و پیش از این از
ثغور بوده است . من می گویم : آذنه امروز در دست دارمن « است . این حوقل
گوید : آذنه شهری است مانند طرفی از عیصیه بر رود سیحان . شهری است
پر نعمت و آبادان در کناره غربی سیحان و سیحان کوچکتر از جیحان است . جبری
طویل و عجیب از سنگ دارد آذنه نزدیک عیصیه است . دوازده میل با آن
فاصله دارد . میان آذنه و طرسوس هیجده میل است .

بانیاس شهر کوچکی است با درختان مرکبات و غیر آن و نهرها . يك مرحله
و نیم با دمشق فاصله دارد و در مغرب آن با انلك میلی به جنوب واقع شده . صیبیه
نام قلعه آن است و آن از قلاع بلند و استوار است . صاحب «العزیزی» گوید :
بانیاس بردامته جبل الثلج است و کوه بر آن مشرف است . بر روی جبل الثلج
همواره برف باشد چه در تابستان و چه در زمستان .

| ردیف | نام بلد | گازد | شهرین تعلیم از ایزم های عسرتی : بلاد شام | | | | ضبط نام | | |
|------|------------|-----------------|--|-------|------|-------|----------|--------------|---|
| | | | طول | | عرض | | | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | | | |
| ۲۸ | مصیصه | اطوال | نظ | به | نو | مه | از چهارم | از بلاد ارمن | به کس میم و تشدید صاد بی نقطه و کسر آن و سکون یاء دو نقطه تحتانی و فتح صاد دوم و در آخرش هاء (مزید الارتياب) |
| ۲۹ | بوس جوت | زیج | نظ | ك | نر | . | از چهارم | از بلاد ارمن | به فتح باء يك نقطه و سکون راء بی نقطه سپس سین بی نقطه و بروت نه کس باء يك نقطه و سکون راء بی نقطه و در آخرش ثاء دو نقطه فوقانی. |
| ۳۰ | قل حمدون | زیج ابن سعید | نظ | ل | نو | ك | از چهارم | از بلاد ارمن | تل به فتح ثاء دو نقطه فوقانی و لام و حمدون به فتح حاء بی نقطه و سکون میم و ضم دال بی نقطه و سکون واو سپس نون . |

اوصاف و آثار عامه

همو گوید که : **مِصْبِصَه** را ابو جعفر منصور بنا کرد . در «المشترک» آمده است که : **مرج الدیباچ** که در فترح شام از آن یاد شده در ده میلی مصیصه است و به جهت خرمی و زیبایی اش بدین نام خوانده شده . این حوقل گوید که مصیصه شامل دو قسمت است ، یکی را مصیصه و دیگری را **کفرتبیا** گویند بر دو جانب جیحان و میان آن دو پلی است از سنگ . مصیصه شهری است به راستی پر نعمت . شهر یربندی است . چنانکه کسی که در مسجد جامع نزدیک دریا نشسته باشد قریب به چهار فرسخ را تواند دید . در «العزیزی» آمده است که پوستینهای مصیصه ای مشهور از آنجاست .

برس برت قلعه استواری است بر کوهی بلند . از بزرگترین قلاع پادشاه ارمن است . جای تابستانی اوست . نیز خزائنش در آنجاست . برس برت در فاصله یک مرحله در شمال سیس میان بلاد سیس و بلاد این قرمان واقع شده . و آن قلعه ای است مشرف بر بلاد سیس و در شمال آن . چنانکه از دور دیده شود .

تل حمدون قلعه ای است استوار . بارویی نیکو دارد . بر تل بلندی است . دارای ریض و بستان ها . رودی در آن جاری است . مکانی است پر آب و ارزان و مردمش روزی مند . مسلمانان ویرانش کردند و امروز خرابه ای بیش به کمتر از یک مرحله در جنوب جیحان واقع شده . میان تل حمدون و سیس دو مرحله فاصله است . قلعه حموص در مشرق تل حمدون است چنانکه از تل حمدون دیده شود .

| شماره | نمبر عکله | ساخته | تقسیم از اقلیم های سرزمین = بلاد شام | | | | ضبط آموخته | |
|-------|-------------------|--------------------------|--------------------------------------|--------------|----------------|----------------|--|---|
| | | | طول | | عرض | | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | | |
| ۳۱ | عین زوجه یا باورز | زیج اطوال | نظ نظ | ل ل | لو لز | ن . | از بلاد ارمن از چهارم | به فتح نون سپس الف و واو مفتوح و راء بی نقطه ساکن و زاء نقطه دار مفتوح سپس الف. اما عین زربه ، عین معروف است و زربه به فتح زاء نقطه دار و سکون راء بی نقطه و باء یک نقطه و هاء. |
| ۳۲ | اطرادیس | اطوال | نظ م | ل م | لد . | . | از سواحل حمص از اول چهارم | به فتح همزه و سکون طاء بی نقطه و راء بی نقطه مفتوح و الف و ضم باء یک نقطه و لام و سین بی نقطه . صاحب «اللیاب» گوید ، الف را از اول آن حذف کنیم تا با شهری به همین نام در مغرب مشبه نشود. |
| ۳۳ | اذرعات | اطوال به قولی قیاس | س نظ س | س نظ س | لا لب لب | نه نک نک | از اعمال دمشق. العزیزی : همان بینه است از سوم | به فتح همزه و سکون ذال نقطه دار و فتح راء بی نقطه و فتح عین بی نقطه و الف و تاء دو نقطه فوقانی در آخرش. |

اصناف و اخبار عامه

عین زربته شهری است بردامنه کوهی، و بالاتر از خود قلعه‌ای دارد. آباد است و پر سکنه. آبش از رود است. میان سیس و تثل حمدون در شمال جیحان واقع شده. جیحان از بین آن و تثل حمدون می‌گذرد. عین زربته در جنوب سیس است با آنکه میلی به طرف مغرب سیس و یک مرحله سیک با آن فاصله دارد. مردم نامش را عوض کرده و ناوآرزا نامیده‌اند. همچنانکه نام تبریز و تستر و جز آن دورا عوض کرده‌اند. صاحب «الغزیزی» گوید: میان سیس و عین زربته بیست و چهار میل است و این همان مسافتی است که میان سیس و ناوآرزا است. پس ناوآرزا بی شک همان عین زربته است.

در «المشترک» بر خلاف «اللیاب» با الف آمده است. یاقوت گوید: هتنبی از این قاعده سرباز زده که گفته است: و قصرت کل مصر عن طرا بلس. من می‌گویم که: هتنبی قول صاحب «اللیاب» را تأیید می‌کند. طرا بلس شهری است رومی بر زمینی در دریا پیش رفته. مسلمانان در سال ۶۸۸ آن را فتح کردند و ویران ساختند. آنگاه در حدود یک میلی آن شهر دیگری بنا کردند و به همان نامش نامیدند. طرا بلس را بستان‌ها و درختان بسیار است. در آن بیشکر روید. رودی دارد. صاحب «الغزیزی» گوید: میان طرا بلس و بعلبک پنجاه و چهار میل است. و بین طرا بلس و دمشق نود میل و همو گوید: و از آنجا تا انطرطوس سی میل است.

در «الغزیزی» آمده است که: اذ رعات شهر کوره بثنیه است همچنانکه نوی شهر کوره جیدور است تا عثمان پنجاه و چهار میل است و تا صتمین هیجده میل. صتمین یعنی دو بت و آن قاعده ولایت و دارای اعمال است و از صتمین تا کسوه به ضم کاف و سکون سین بی نقطه و واو و هاء که دینی است و منزلی است و رود اعرج از آن می‌گذرد دوازده میل است و از کسوه تا دمشق نیز دوازده میل باشد. و میان آن عقبه‌ای است نه چندان صعب. معروف به عقبه المشجوره به ضم شین نقطه‌دار و حاء بی نقطه سپس واو و راه بی نقطه و هاء در آخرش. کسوه در دمشق

| ردیف | نام بلد | مآخذ | ششین اجلاس از اجلاس های عسکریه - بلاد شام | | | | تصیغ نام ها | |
|------|----------------|----------------------------|---|--------|----------|---------|--------------------------|---|
| | | | طول | | عرض | | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | | |
| ۳۳ | بصری | الصواب قانون و اطوال | س نط | ح ك | لب لا | نه ل | قاعده جوران از سوم | به ضم باء يك نقطه و سکون صاد بی نقطه و راء بی نقطه و الف مقصور. |
| ۳۵ | دمشق | قانون | س | . | لج | س | قاعده شام از آخر سوم | به کسر دال بی نقطه و فتح میم و سکون شین نقطه دار سپس قاف در آخرش . |
| ۳۶ | مرکب و دینسیاس | زیج | س | . | لج | س | از سواحل حمص از چهارم | به فتح میم و سکون راء بی نقطه و فتح قساف و باء يك نقطه و بلتیاس به کسر باء يك نقطه و لام و سکون نون و یاء دو نقطه تحتانی و الف و سین بی نقطه . |

اوصاف و اخبار عامه

در «العزیزی» آمده است که: بصری شهر کورده حوران است. شهری است کهن از سنگ سیاه ساخته شده. بازار و منبر دارد. از دیار «بنی فزاره» و دیار «بنی مره» و غیر آنهاست. قلعه‌ای دارد با بنائی استوار. و نیز باغستان‌ها. بنای قلعه‌اش چون قلعه دمشق است. این معبد گوید: «بصره قاعنه حوران است در چهار منزلی دمشق و صرخند در شانزده میلی مشرق آن است.

امادر طول دمشق اختلافی نیست. طول آن از جزایر خا لدات ۲۰ درجه و از ساحل دریای غربی ۶ درجه است. بلون هیچ کسری. اما عرض آن مورد اختلاف است و ما آنچه را که خود درست می‌شمردیم در جدول آوردیم. دمشق شهری است کهن. قاعنه شام است و غوطه دمشق یکی از جنات اربعه است. جنات اربعه عبارتند از غوطه دمشق و شعب بستان و نهر ابثله و سفد سمرقند و غوطه دمشق را بر آن سه برتری است. در شمال آن کوهی است معروف به قاسیون. گویند هابیل، قاییل را در آنجا کشته است. دیگر از متزهات آن التربه است و آن غاری است بر دهانه غربی وادی آن که در آنجا آب‌هایش تقسیم شود. گویند مهد عیسی علیه السلام در آن غار است.

مَرَقَب نام قلعه‌ای است استوار یا بنائی نیکو مشرف بر دریا و بلینیاس نام شهر آن است و میان آن دو قریب يك فرسخ فاصله هست. مَرَقَب را درختان میوه و مرکبات بسیار است. در آنجا نیشکر کارند. چشمه‌های بسیار دارد. صاحب «العزیزی» گوید: بلینیاس زیر شهر جبته است. و میان آن دو و آنطرطوس دوازده میل است. و آن قلعه‌ای است که در سال ۴۵۴ به دست مسلمانان بنا گردیده. این مطلب را ابن منذر در کتاب «تاریخ القلاع والحصون» ذکر کرده است.

| ردیف | نام بلد | آخذ | ششین از اعظم های عسقری : بلاد شام | | | | ضبط نام ها |
|------|----------------|---------------|-----------------------------------|---------|------------|----------|--|
| | | | طول | | عرض | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | |
| ۳۷ | دعلبک | قیاس | س | ۰ | لح | ن | از اعمال دمشق در جبل به فتح باو یک نقطه و سکون عین بی نقطه و فتح لام و باء یک نقطه و در آخرش کاف. |
| ۳۸ | عرقه | اطوال قیاس | س س | به ۰ | تک تک | ۰ تک | از ساحل شام به کسر عین بی نقطه و سکون راء بی نقطه سپس قاف و هاء در آخرش. |
| ۳۹ | جبله | قیاس اطوال | س س | ۰ تک | تک تک | تک تک | از ساحل شام به فتح جیم و باء یک نقطه و لام سپس هاء در آخرش. |
| ۴۰ | بالمسکنه و کوه | زیج قیاس | س س | ۰ ۰ | سها سها | سها ۰ | از چند قسریین بار معروف است . مضاف به مسکنه و کوه . مسکنه و کوه به فتح سین بی نقطه و کاف و سکون نون و فتح دال بی نقطه و ضم راء بی نقطه و سکون واو و نون بعد از آن هاء . |

اصناف و اخبار عمار

بَعْلَبَكْ شهری است کهن . دارای بارو . قلعه‌ای استوار و عظیم دارد . درختان و رودها و چشمه‌هایش بسیار است . شهری است پرخیرو برکت . در «الغزیری» آمده است که : بعلبک شهری بزرگ و قدیمی است . در آنجا مذبحی است که «صایان» آن را از بیوت خورد می‌شمارند و عزیزش دارند . از بعلبک تا تربدانی هیجده میل است . تربدانی شهری است بدون بارو برکنار وادی سردی . از آنجا تا دمشق همه جا بستان‌هاست به هم پیوسته . شهری است زیبا با منزهات بسیار و نعمت فراوان . از آنجا تا دمشق هیجده میل است .

عیرقه شهری است کوچک دارای قلعه‌ای حقیر و بستان‌ها و رودی خرد . صاحب «الغزیری» گوید : از اعمال دمشق است شهر عرقه . در پایان توابع دمشق از حد شمالی بر ساحل دریا واقع شده . بین عرقه و طرا بلس بر سمت جنوب دوازده میل است و میان عرقه و بعلبک شصت و شش میل و با دریا در حدود یک فرسخ فاصله دارد .

جَبَلَه شهری است کوچک در آنجا مزاری است که گویند گور ابراهیم ادهم است . صاحب «الغزیری» گوید که : شهر جبله از یلنیاس بزرگتر است . و میان آن دو بیست و چهار میل است . و از جبله تا لافقیه دوازده میل و آن را اعمال وسیع است .

احمد کاتب گوید : باب سکندروته شهری است بر ساحل دریای روم نزدیک آنظار کیه . آن را ابن‌ابی داوود ایادی در زمان خلافت المواقف بنا کرد . من می‌گویم باب سکندروته در زمان ما در بند بلاد سیس است از جانب حلب و آن در یک میلی بغراس واقع شده و در آنجا بهرامنی نه شهری است و نه دهی . میان بغراس و باب سکندروته دوازده میل است .

| ردیف | نام بلکه | ساخته | ششین اقلیم از اقلیم های عسمرتی = بلاد شام | | | | ضبط نام با |
|------|--------------|---------------|---|--------|--------|--------|---|
| | | | طول | | عرض | | |
| | | | درج | دقیقه | درج | دقیقه | |
| ۴۱ | سرفهنگند کار | زیج | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | به کسر سین بی نقطه و سکون راء بی نقطه و فتح قاء و سکون نون و فتح دال بی نقطه و کاف سپس الف و راء بی نقطه. و گاه به جای قاء واو آرند و گویند ، سروند کار |
| ۴۲ | سپس | زیج | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | به کسر سین بی نقطه و سکون یاء دو نقطه تحتانی سپس سین بی نقطه . |
| ۴۳ | لان قیسه | اطوال قیاس | ۴ ۵ | ۴ ۵ | ۴ ۵ | ۴ ۵ | به کسر ذال نقطه دار و قاف سپس یاء دو نقطه تحتانی مشدد و هاء در آخرش . |

اصناف و اجزای عامه

سرفندکار قلعه‌ای است استوار بر صخره‌ای . در برخی جوانبش بارویی نیست ، چه باوجود آن صخره‌ها از بارو بی نیاز است . برکناره جنوبی جیحان است پراه در بند متری و در مشرق تشل حمدون . میان آن دو در حدود چهار میل فاصله است . در بند معروف است و متری به فتح‌میم و تشدید راه بی نقطه و در آخرش یاء آخر حروف . در بند مذکور در کمتر از يك منزلی مشرق آن واقع است . میان در بند متری و سرفندکار درختان صنوبر بسیار باشد ، آنچنان درختانی که در جای دیگر از حیث بلندی و ستبری همانندش را نتوان یافت . سرفندکار در جنوب شرقی عین زربه است و کمتر از يك مرحله با آن فاصله دارد .

سیس شهر بزرگی است بر کوهی . دارای قلعه‌ای و سه بارو . بستان‌ها و رود کوچکی دارد . در زمان ما شهر ملك ارمن و قاعده کشور اوست . ابن سعید گوید : آن را ابن لاری پادشاه ارمن بنا کرده و تختگاه کشور خود ساخت . روزگاری قاعده ثغری شمالی بود . صاحب « العزیزی » گوید : میان قلعه سیس و عین زربه چهارده میل است و نیز میان قلعه سیس و میصیصه چهارده میل . در تاریخ « الصا » جمال‌الدین بن‌الدینم « آمده است که : سیس را یکی از خاندان هارون الرشید بنا کرد و تسیسته نامید و در زمان ما به اسی معروف است

لاذقیه شهر آب‌انبارها و حوض‌هاست . بر ساحل دریاست . بندر نیکوئی دارد از دیگر بندر نیکوتر . در آنجا دیری است مسکون با بنایی نیکو معروف به فاروس . صاحب « العزیزی » گوید : لاذقیه شهری است بزرگ از اعمال حیمص و تا جببکه دوازده میل است . و تا انظار کیمه چهل و هشت میل . لاذقیه از حیث آبادانی بزرگترین شهر ساحل است . و آن را بندری است عظیم .

| ضبط نام | شهر تقويم از تقويم های عسری و بلاد شام | | | | تاخذ | نام بجای | نمبر | |
|--|--|-----------------|------|-------|------|-------------|------|---------------|
| | تقويم عسری | تقويم خمسیتی | عربی | | | | | |
| | | | درجه | دقیقه | | | | |
| به فتح صاد بی نقطه و سکون هاء و ضم یاء دو نقطه تحتانی و سکون و او و بعد از آن نون. | از چند قنسرین | از چهارم | ی | له | س | ی | زیج | صهیون ۴۴ |
| | قاعده عوام | از چهارم | ن | له | یه | س | قیاس | انطاکیه ۴۵ |
| | از چند قنسرین | از چهارم | ح | ه | یه | س | قیاس | بغراس ۴۶ |
| به فتح بساء یک نقطه و سکون غین نقطه دار و راء بی نقطه و الف و در آخرش سین بی نقطه (اللیاب). | از چند قنسرین | از چهارم | ح | ه | یه | س | قیاس | بغراس ۴۶ |

اوصاف و اخبار طبر

صهیون شهری است دارای قلعه‌ای استوار و تسخیر ناپذیر. از مشهورترین قلاع شام است. در قلعه‌اش آب فراوان از باران جمع شود. شهر بر صخره‌ای است سخت. و در نزدیکی آن وادی است که در آن انواع مرکبات باشد چنانکه همانند آن در دیگر شهرهای آن دیار یافته نشود. شهر بردامنه کوهی است و از لاذقیه پیناست. میان آن دو در حدود يك مرحله است. صهیون در جنوب شرقی لاذقیه

انتظار کیه شهر بزرگی است دارای چشمه‌ها و باروی عظیمی که پنج کوه و قلعه‌ای درون آن جای دارد. در بیرون شهر رود عاصی و رود اسود در يك بستر جاری است. قبر حبیب نجاد آنجاست. ابن حوقل گوید: انتظار کیه بعد از دمشق با طراوت ترین و خرم‌ترین شهرهای شام است. بارویی دارد از صخره‌های گرداگرد خود. و کوهی که مشرف بر آن است. در خانه‌ها و کوچه‌ها و مسجد جامع آب جاری باشد. املاک و دینه‌ها و نواحی پرست دارد. صاحب «العزیزی» گوید: طول بارویش دوازده میل است.

بغراس را قلعه‌ای است مرتفع. چشمه‌ها و باغهای نیکو دارد. ابن حوقل گوید: بغراس بر راه نغرهاست. در آنجا مهمانسرای بوداز آن ذبیحه. در «العزیزی» آمده است که: میان بغراس و انتظار کیه دوازده میل است و میان آن و اسکندریه نیز دوازده میل. بغراس بر کوهی است مشرف به حارم و حارم در مشرق آن واقع است میانشان در حدود دو مرحله فاصله است. بغراس در جنوب دربساك است و میانشان کمتر از يك مرحله باشد.

| خط نام | ششیم تقویم از تقویم های مسرینی : بلاد شام | | | | ساخته | نام بلکه | شماره | | |
|--|---|-------------------|------|-------|-------|-------------|--------------|-------------|----|
| | از تقویم عربی | از تقویم صغیری | عربی | | | | | | |
| | | | درجه | دقیقه | | | | | |
| به فتح صاد بی نقطه و سکون راه بی نقطه و فتح خاء نقطه دار سپس دال بی نقطه . | از حوران از اعمال دمشق | از سوم | هـ | ک | ث | س | قیاس | صخره | ۴۷ |
| به خاء بی نقطه و راه بی نقطه مکسور میان نشان الف و میم در آخرش . | از اعمال حلب | از چهارم | ن | هـ | ل | س | قیاس | حارم | ۴۸ |
| به کسر حاء بی نقطه و سکون صاد بی نقطه سپس نون و الاکراد جمع کرد به فتح همزه و سکون کاف و فتح راه بی نقطه و الف و دال بی نقطه در آخرش . | از اعمال حمص در جبل | از اول چهارم | و | ک | ل | س | قیاس | حصن الاکراد | ۴۹ |
| به فتح باء يك نقطه و الف و کسر راه بی نقطه و سکون باء دو نقطه تحتانی و فون در آخرش . | از اعمال حماة | از چهارم | ک | ک | هـ | س | زیج قیاسی | بارین | ۵۰ |

اوصاف و اخبار عامه

صخر خند شهر کوچکی است دارای قلعه‌ای بلند . انگورش فراوان است . و جز آنچه از آب باران در آبگیرها و برکه‌ها گرد آید آبی دیگر ندارد . از بلاد حوران بشمار است . ابن سعید گوید : صخر خند قاعدهٔ جبل بنی هلال است . و آن سوی آن از جانب جنوب و مشرق جز بیابان نیست . از جانب جنوبی آن راهی است به عراق معروف به رصیف . مسافران گویند که چون مسافری از آن راه رود پس از در حدود ده روز به بغداد رسد . میان صخر خند و شهر زرع که قاعده‌ای از قواعد حوران است يك روزه راه باشد .

حارم بلدهٔ کوچکی است . دارای قلعه‌ای با درختان و چشمه‌ها و نهری کوچک . ابن سعید گوید : قلعه‌ای است پر برکت و انار بی‌هسته و پر آب و تنک پیوستی که از بیرون اندرونش پیدا است مخصوص آنجاست . در دو منزلی غربی حلب است . میان حارم و اناطیه کیمه يك مرحله است .

یاقوت در «المشترک» گوید : حصن الاسکراد قلعه‌ای است استوار رویه روی حصص و در جانب غربی آن بر کوهی پیوسته به کوه لبنان . آن را ربضی است که پیش از فتح طرابلس مقر والی پادشاه بوده است . از حصص يك مرحله فاصله دارد و نیز از طرابلس به همین اندازه و خود میان حصص و طرابلس واقع شده .

بارین شهر کوچکی است . دارای قلعه‌ای ویران . نیز چشمه‌ها و بستان‌ها دارد . در يك منزلی قلعهٔ حماة است بانك میلی به طرف جنوب . در آنجا آثار بناهای قدیم باشد ، موسوم به رقفنیثیه . ذکر رقفنیثیه در تاریخ‌ها فراوان رفته است . رقفنیثیه به فتح راء بی نقطه و فاء و سپس نون مکسور و یاء دو نقطهٔ تحتانی مشدود و سپس هاء در آخرش . در «الاطوال» آمده است که طول رقفنیثیه س ن و عرض آن لدك است . قلعهٔ بارین قلعه‌ای است از بناهای فرنگ در سال چهارصد و هشتاد و اندک . سپس مسلمانان آن را مسخر کردند و مدتی برپا بود تا آخر خرابش کردند .

| ردیف | نام پلید | گأخذ | شهرن اعلم از اعلم های عسرنی : بلاد شام | | | | ضبط نام | | |
|------|-----------|------|--|-------|------|-------|---------------|----------|--|
| | | | طول | | عرض | | | | |
| | | | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | | | |
| ۵۱ | حصن | قیاس | سا | . | دک | دقیقه | از قواعد شام | از چهارم | به کس حاء بی نقطه و سکون میم و صاد بی نقطه در آخرش . |
| ۵۲ | در حصانک | قیاس | سا | . | لوا | . | از چند قسرنین | از چهارم | به فتح دال بی نقطه و سکون راه بی نقطه و فتح باء و کاف نقطه و سین بی نقطه و سپس الف و کاف |
| ۵۳ | حصن برزیه | زیج | سا | . | ک | ک | از چند قسرنین | از چهارم | برزیه : به ضم باء و کاف نقطه و سکون راه بی نقطه و فتح زاء نقطه دار و سکون باء دو نقطه تحتانی سپس هاء . |

اوصاف و اخبار حاتم

رحمض شهری است کهن از قواعد شام . بستان‌هایش از آب عاصی سیراب‌شوند . این حوقل گوید : رحمض در سرزمین همسواری است و به راستی پر نعمت ترین و خوش‌ترین شهرهای شام است . در خارج شهر در فاصله‌ای کمتر از يك ميل رود تمقنوب که همان رود ارتط است می‌گذرد . مردم رحمض را بر کناره‌های این رود باغ‌ها و تاکستان‌هاست .

در بساتک را قلعه‌ای است مرتفع و پشمه‌ها و بستان‌ها . شهری است پر نعمت . جامع و منبر دارد . در جانب شرقی آن باغ‌های پهناوری است ، نیکو و سرسبز . رود اسود از میان آن می‌گذرد . در بساتک در شمال بخراس است با آننک میلی به جانب مشرق . میانشان در حدود ده میل فاصله است ، در مشرق در بساتک ، یغرا واقع است . یغرا به فتح یاء و دو نقطه تحتانی و سکون غین نقطه دار و راء بی نقطه و الف ، قریب‌ای است و مردمش نصاری باشند . کارشان صید ماهی است . کمتر از يك مرحله با در بساتک فاصله دارد . راه شام به در بساتک و بخراس از یغرا می‌گذرد .

برزیه قلعه کوچکی است رقیع در دامنه شرقی کوه خیمط و مشرق به دریایه افامیه . آب دریایچه‌ها و نیزارها تا زیر برزیه به هم پیوسته است . جز کوتوالان قلعه کسی در آنجا نیست . مردم آن دیار در روزهای سخت بدانجا پناه برند . قلعه در شمال غربی افامیه و در يك منزلی آن در آب واقع است . چه دریایچه‌های افامیه میان افامیه و برزیه قرار دارند . برزیه در جنوب شغری و بنگاس است و يك منزل با آن فاصله دارد . و نیز برزیه در يك منزلی مشرق صهبون است .